

ادامه از صفحه اول

## بازی الگوی کشت و تحویل حجمی آب

در هر یک از واقعیت‌های فوق می‌توان ضعف و ناتوانی دولت در مواجهه با مسئله آب و تضاد جدی میان این ناتوانی را با ادعاها و شعارهایش (همچون الگوی کشت و تحویل حجمی) دید. اما با وجود این بدیهیات، چرا همواره چنین ادعاهایی مطرح می‌شود؟ چرا نقد نمی‌شود؟ تنها چیزی که به ذهن می‌رسد این است: برای اینکه کاری انجام ندهی و همه چیز به آیندهٔ نامعلوم موکول شود!
بهترین روش برای کاری‌نکردن این است که وظیفه‌ای غیرشفاف یا انجام‌نشده‌ی را بر عهده دیگری بگذاری و نقش‌های خودت را منوط به این کنی که ابتدا آن وظیفه صورت بگیرد. تکرر این موارد دوره‌هایی از وظایف ادارات دولتی را ایجاد می‌کند و بهانه‌هایی که همه برای انجام‌ندان کارهای خود دارند. اما طرح مسئله درست چیست؟
نظام بهره‌برداری زمین (و به تبع آن الگوی کشت) و نظام بهره‌برداری آب کشاورزی (و به تبع آن حفاظت از منابع آب)، بیش از آنکه وظیفه دولت باشد، باید موضوعی اجتماعی و مسئله بهره‌برداران باشد. دولت در دهه‌های گذشته در این کار ناتوان بوده، نه لزوماً به این دلیل که نخواست، بلکه مهم‌تر از آن، به این دلیل که وظیفه‌ای بسیار فراتر از قد و قواره خودش را بر عهده گرفته است. این انحصارگری و سلب صلاحیت جامعه، بی‌تفاوتی و حتی تحریکگری آنها را نیز حاصل کرده و اکنون راهکار این است که نقش اصلی بهره‌برداران در این مسائل به رسمیت شناخته شود. در مواجهه با این ادعا طبیعی است که نگرانی‌هایی ایجاد شود که اگر بهره‌برداران در تصمیمات اساسی نقش داشته باشند مگر سنگ روی سنگ بند می‌شود؟ اولین پاسخ به این شبهه و نقد این است که مگر اکنون سنگی روی سنگ بند است؟ در بسیاری از دشت‌های کشور، میزان برداشت آب زیرزمینی به اندازه میزان امکان برداشت است؛ یعنی اگر یک چاه جدید حفر شود (در صورت توان آب‌دهی این چاه) آب جدیدی از سفره برداشت نمی‌شود، بلکه از برداشت دیگران مسدود می‌شود. همچنین اگر مثلا چاه غیرمجازی مسدود شود، به معنی پمپاژ بیشتر آب (به جای هوا) توسط صاحبان چاه‌های مجاور است و نه ذخیره بیشتر آب در آبخوان. علاوه بر این در سالی قرار داریم که آب چندانی به مهم‌ترین تالاب‌های کشور وارد نشده (و البته در تسالی‌های قبل نیز وضعیت برخی از آنها چندان متفاوت نبود). این وضعیت نشان می‌دهد با شاخص‌هایی که دولت بر اساس آن نگرانی‌اش را درباره منابع آب بیان می‌کند (که شاید لزوماً مرتبط باغدغه‌های واقعی‌اش نباشد)، اوضاع نمی‌تواند از این بدتر بشود. پس بدون نگرانی می‌توانیم گزینه‌های دیگری را طرح کنیم. اما پاسخ دوم این است که ماهیت مسئله آب، صحنه تعارض گروه‌ها با منافع مختلف است. ساده‌انگارانه است اگر به خواسته‌های این گروه‌ها برچسب‌هایی نظیر مخل نظم یا ضد توسعه بزنیم و در سوسی مقابل دولت را حافظ مصلحت عمومی بدانیم و همه نقش‌ها را به آن بسپاریم. برای مثال در مسئله زاینده‌رود، تالاب کاوخونی، قحله‌بدران چندصدساله، شهروندان همه مناطقی که آب شرب آنها وابسته به زاینده‌رود شده، صنایعی که هزاران میلیارد برای آنها سرمایه‌گذاری شده و کشاورزانی که با وعده دولت و ساخت زیرساخت‌ها به آب دست پیدا کرده‌اند، هر کدام به نوعی نسبت به آب حق دارند. اما منابع زاینده‌رود بسیار محدودتر از این تقاضاهایی است که برایش به وجود آمده است. در چنین شرایطی نمی‌توان با هنجار از پیش معینی که دولت و متخصصانش تعیین می‌کنند و مثلا در قالب الگوی کشت یا تحویل حجمی آب ظاهر می‌شود، به مقابله با مسئله پرداخت (بسیاری از توسعه‌های خارج از ظرفیت قبلی نیز بر مبنای چنین کارشناسی‌هایی انجام شده بود). تعیین بالا به پایین یک هنجار برای راهکار مسئله به معنای ارجحیت‌دادن به برخی از ادعاها و حقوق و نادیده‌گرفتن سایر آنها بدون مشارکت خود طرفین مسئله است. در مقابل، راهکار حاصل گفت‌وگو و مذاکره مستمری است که میان ذی‌نفعان مختلف برای پیداکردن راهکار و نحوه توزیع منافع و ضررها صورت می‌گیرد. مسیر دستیابی به راهکار از خود محتوای راهکار مهم‌تر است. آیا در این صورت‌بندی جدید دولت نباید کاری کند؟ خیر. ادعای تمرکزگرایی صم‌درصد دولت و دست‌نیافتن به آن، در عمل موجب رهاشدگی بسیاری از امور شده است. اما در مقابل اتفاقاً دولت باید کارهای مهمی انجام دهد. برای مثال در شرایط رهاشدگی کنونی الگوی کشت، در برخی از ماه‌ها و سال‌ها، تولید بیش از نیاز موجب ضرر کشاورزان و هدررفت منابع مختلف به‌ویژه آب می‌شود و در همان زمان با کمبود محصولی دیگر مواجهیم. در برابر این چالش باید ضمن پذیرش اختیار کشاورزان، دولت برای نقش‌های روی زمین‌مانده‌اش سیاست‌هایی پیش بگیرد. ساماندهی نظام اطلاعات تولید کشاورزی به طوری که راهنمایی برای کشاورزان باشد تا از الگوی کشت سال جاری در سایر نقاط کشور اطلاع داشته باشند (و بر اساس آن کشت خود را انتخاب کنند) یا حمایت از توسعه کشاورزی قراردادی و انجام تولید بر اساس قرارداد با متقاضیان بزرگ بازار می‌تواند الگوهایی برای نقش‌آفرینی مؤثر دولت باشد. در بهره‌برداری آب نیز ضمن ایجاد فرصت توسعه ظرفیت‌های ذی‌نفعان و پذیرش حضور آنها در تصمیم‌گیری، نقش‌های نظارتی و تسهیلگری دولت محفوظ می‌ماند. به طور مشخص دولت باید با ارائه حق مشارکت، در اختیار قراردادن اطلاعات و تأمین سایر منابع، از ذی‌نفعانی که به طور تاریخی در تعارضات ضعیف‌تر بوده‌اند، حمایت کند. مخصوصاً ذی‌نفعان و سمن‌های مدافع محیط زیست و بسیاری از کشاورزان در حاشیه، نیازمند چنین حمایتی هستند.

میرحسین جعفری: ۴۰ سال از شهادت دکتر مصطفی چمران می‌گذرد و هنوز ابیعدای از حیات و شخصیت او ناگفته و ناشناخته باقی مانده است.

به همین مناسبت با سیدعلی اصغر غروی، دوست و همراه شهید چمران، گفت‌وگو کردیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

**کآ آشنایی شما با شهید چمران از کجا و چگونه آغاز شد؟**

من در سال ۱۳۴۱ محصل دبیرستان بودم که بحث لویاج شش‌گانه انقلاب سفید مطرح شد و آیت‌الله خمینی مخالفت کردند. از همان سال به مبارزات ایشان نزدیک شدم. در سخنرانی آخر ایشان، در سال ۱۳۴۳ من پای صندلی آقای خمینی که داخل یک پنجره بود، نشستیم. هفت‌هه بعد ایشان تبعید شدند و من نیز سال بعد در دانشگاه تهران پذیرفته شدم. در تهران با اعضای نهضت آزادی آشنا شدم و به عضویت این حزب درآمدم. تشکیلات فعال رهبر فقید انقلاب در آن سال‌ها منحل شده بود. چند سال بعد حسینیه ارشاد ساخته شد و دکتر شریعتی به آنجا آمد. ارتباط من با شریعتی نیز پیاده‌کردن نوار سخنرانی‌های او بود. دکتر شریعتی شب‌ها کار می‌کرد و سیگار می‌کشید و روزها می‌خوابید. می‌گفت روزها ملاقات زیاد است و مانع کار، به همین جهت شب‌ها کار می‌کرد. سال ۱۳۴۸ درس من تمام شد و برای سربازی به شیراز و کرمان رفتم تا سال ۱۳۵۳. سال ۱۳۵۲ شرکت عمران شاهین‌شهر اصفهان تاسیس شد. با آن شرکت مهندسانی مثل عبدالعلی بازرگان، میرحسین موسوی، مهدی چمران و عده‌ای دیگر، ازجمله برادر من، ارتباط کاری داشتند. یک روز برادرم گفت تو که عازم سفر لبنان هستی، مهدسی در شرکت ما هست که برادرش در لبنان است، شاید آشنایی با ایشان مفید باشد. به شاهین‌شهر که آن زمان منطقه گرگاب بود و چشمه‌ای داشت، رفتیم. در کنار آن چشمه، ساختمان موقتی برای مهندسان ساخته بودند. آنجا با آقای مهدی چمران آشنا شدم. ضمن گفت‌وگوها ایشان اظهار کرد برادر من معضوب ساواک است و در لبنان زندگی مخفی دارد! نامه‌نگاری و تماس تلفنی هم نداشتند. فقط به من گفتند برادرشان در شهر «صور» زندگی می‌کند. آبان ۱۳۵۳ به اتفاق خانم به لبنان رفتیم. حدود چهار ماه طول کشید تا دکتر چمران را پیدا کردم. ایشان در آغاز به من اعتماد نکرد. جلب اعتماد ایشان دو ماه طول کشید. در آن بود زندگی ۱۹۷۴ یا اوایل سال ۱۹۷۵ در مؤسسه فنی متعلق به شیعیان در شهر صور، اولین دیدار را با دکتر چمران داشتم. متأسفانه در حضورهای متعدد در منزل ما، دفترهای خاطرات من را برده‌اند. از این جهت تاریخ‌های دقیق را به یاد ندارم. ایشان در اتاق کوچکی که فقط یک تخت در آن بود زندگی می‌کرد، درحالی‌که آن مجموعه اتاق‌های بزرگ‌تری هم داشت که دکتر چمران می‌توانست برای خود انتخاب کند. در ملاقات اول او را در حالی دیدم که در همان اتاق مشغول شستن لباس‌هایش بود.

**کآ تضادهای چمران با امت‌گرای اسلامی بر سر چه بود؟**

دکتر چمران عضو نهضت آزادی و اندیشه او متأثر از افکار مهندس بازرگان و آیت‌الله طالقانی بود. برای او دشوار بود با روحانیونی که تفکرات سنتی داشتند، ارتباط برقرار کند. از برخی نوشته‌هایش به اشتباه برداشته شده که مثلا زاهد، روحانی و صوفی بود! اگر شخصیت همیشه لباس نظامی پوشیده باشد و مسلح باشد، با تفکری که ما از زهد داریم انطباق ندارد. مراد چمران از زهد، آخرت و خدا بود، اما اینکه از دنیا کناره‌گیری کند و گوشه‌ای بنشیند، این‌طور نبود. من در متن اختلافات ایشان نیستم، اما بر اساس تفکراتش با طرفی‌انمن اختلاف پیدا می‌کرد؛ مثل اختلافاتی که با جلال‌الدین فارسی در لبنان داشت.

**کآ در جنبش «امل» نقش چمران فکری بود یا نظامی؟ ارتباط او با آقاموسی صدر چگونه شکل گرفته بود؟**

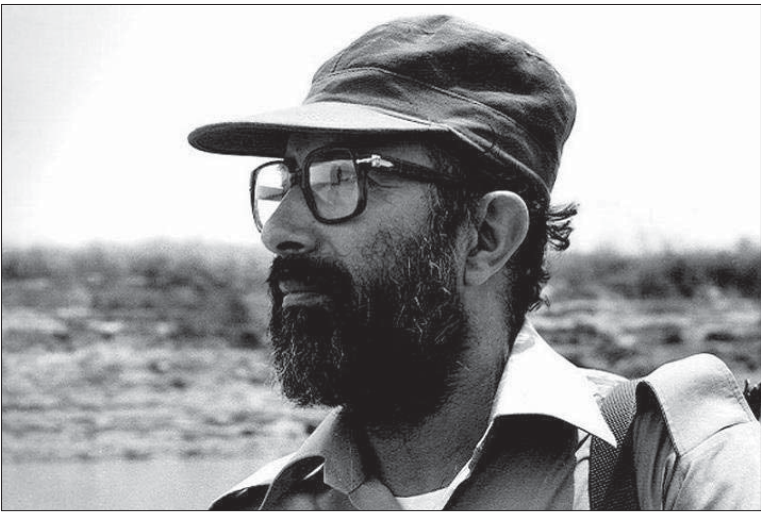
«امل» علامت اختصاری عبارت «افواج المقاومة اللبنانیة» است که اتفاقاً به معنای «آرزو» هم هست. آقاموسی صدر خیلی کوشش می‌کرد حقوق شیعیان را از دولت لبنان بگیرد و به همین جهت هم با بسیاری از رهبران عرب ملاقات می‌کرد؛ مثل عبد‌الناصر، ملک فیصل، بن‌یلا، بومدین، ملک حسین، ملک حسن، حافظ اسد، یاسر عرفات و … در آن زمان ۶۰ درصد شیعیان لبنان اصلا شناسنامه نداشتند! مسیحی‌ها و سنی‌ها که در حاکمیت لبنان قدرت بیشتری داشتند، مانع این کار بودند تا شیعیان جزء آمار و سرشماری‌ها به حساب نیایند! اولین کوشش‌های آقاموسی صدر همین موضوع بود.

مرحوم شرف‌الدین که قبل از آقاموسی صدر رهبر شیعیان لبنان بود، این اقدامات را انجام نداده بود. تنها امتیازی که در قانون اساسی به شیعیان داده شده بود، این بود که رئیس پارلمان لبنان شیعه باشد که از خاندان‌های بزرگ و سرمایه‌دار انتخاب می‌شد. در زمان اقامت من در لبنان، کامل اسعد رئیس پارلمان بود. آقاموسی صدر جنبشی را ایجاد کرده بود به نام «حرکة المحرومین». فلسطینی‌ها و یهودی‌های عرب با تاسیس این جنبش به شدت مخالف بودند.

ب بررسی فرازوفرودهای دوران مبارزاتی شهید چمران در گفت‌وگو با علی اصغر غروی

# روایت آخرین دیدار

اندیشه چمران متأثر از افکار بازرگان و طالقانی بود



چون از کشورهای سرمایه‌دار عرب بودجه می‌گرفتند و نیروهایی را برای کارهای نظامی استخدام می‌کردند. در لبنان بیشتر این نیروها شیعیان بودند که به علت فقر، به اردوگاه‌های فلسطینی می‌پیوستند. مارکسیست‌های فلسطینی که چند نفر از آنان مانند جورج حبش، مسیحی بودند یا حزب اشتراکی لبنان که کمال جُبَیلات آن را اداره می‌کرد و هم‌اکنون ولید جنب‌لطا، پسر او، رهبری آن را بر عهده دارد، این دسته از احزاب لبنانی، به‌شدت طرفدار فلسطینی‌ها بودند و با آقاموسی صدر مخالفت جدی می‌کردند! چراکه جنبش محرومین که یک جنبش مذهبی هم بود، نیروهای شیعه را از اردوگاه‌های فلسطینی به خود جذب می‌کرد. زمانی‌که من در لبنان بودم، آقاموسی صدر با یاسر عرفات به توافق رسیدند جنبش محرومین یک شاخه نظامی هم داشته باشد و در صورت نیاز به فلسطینی‌ها هم کمک کند. این شاخه بعدا «امل» نام گرفت. یاسر عرفات متعهد آموزش نیروهای سازمان امل در یکی از اردوگاه‌های فلسطینی شد. یک گروه ۴۰نفری انتخاب شدند. این گروه آموزش‌های مقدماتی را گذراند تا به آموزش عبور از مین رسید. متأسفانه چند من منجر می‌شود و گویا سه نفر از آن ۴۰ نفر زنده ماندند! این واقعه برای دکتر چمران و آقاموسی صدر بسیار گران تمام شد. تصمیم گرفتند خودشان اردوگاه‌های آموزشی تشکیل دهند. بزرگ‌ترین و بهترین اردوگاه آموزشی آنها در کوه‌های بَعلَبَک بود که من و همسرم نیز در آنجا آموزش دیدیم. من در دوران سربازی که در تیپ ۵۵ هواپرد شیراز هفت ماه خدمت کردم، دوره چتربازی و دوره تکاوری را گذرانده بودم و آمادگی داشتم و با اسلحه‌های مختلف کار کرده بودم، اما عملیات چریکی را در لبنان آموزش دیدم.

آموزش‌های شیعیان در کوه‌های بعلبک صورت می‌گرفت. کسانی که آموزش می‌دیدند، تیراندازان و جنگاوران ماهری شده بودند. چمران نیز آموزش‌های نظامی را در مصر دیده بود. زمانی

برای دکتر چمران و آقاموسی صدر بسیار گران تمام شد. تصمیم گرفتند خودشان اردوگاه‌های آموزشی تشکیل دهند. بزرگ‌ترین و بهترین اردوگاه آموزشی آنها در کوه‌های بَعلَبَک بود که من و همسرم نیز در آنجا آموزش دیدیم. من در دوران سربازی که در تیپ ۵۵ هواپرد شیراز هفت ماه خدمت کردم، دوره چتربازی و دوره تکاوری را گذرانده بودم و آمادگی داشتم و با اسلحه‌های مختلف کار کرده بودم، اما عملیات چریکی را در لبنان آموزش دیدم.

آموزش‌های شیعیان در کوه‌های بعلبک صورت می‌گرفت. کسانی که آموزش می‌دیدند، تیراندازان و جنگاوران ماهری شده بودند. چمران نیز آموزش‌های نظامی را در مصر دیده بود. زمانی هم با دکتر یزیدی و مهندس توسلی در یکی از پادگان‌های مصر بودند، هرچند در آنجا نیز خیلی آذیت شده بودند. سرانجام تحت فشارهای دولت مصر به آمریکا برمی‌گردند. بعداً دکتر چمران به درخواست آقاموسی صدر و پیشنهاد مهندس بازرگان به لبنان رفته بود.

**کآ آیا ایرانی‌ها هم در اردوگاه بعلبک حضور داشتند؟**

نه! در این اردوگاه نبودند، اما از سازمان مجاهدین خلق و فداییان خلق به اردوگاه‌های فلسطینی می‌رفتند.

**کآ تیم محمد منتظری چطور؟**
از ایشان در آن زمان اطلاعی ندارم. برای برگزاری جشن‌های اولین سالگرد انقلاب، دکتر چمران توصیه کرد من به اتفاق آقای جواد یارجانی به لبنان برویم. به همین منظور سه ماه در آنجا بودیم. در همین زمان محمد منتظری هوابمایی را تسخیر کرده بود و تعدادی نیرو به دمشق آورده بود تا آموزش ببیند. ابوزعیم، یکی از معاونان یاسر عرفات، با سفارت ایران در بیروت تماس گرفت و گفت باید شما را ببینیم. ساعت ۱۰ شب اوتومبیل گلانت سفید رنگی با دو سرنشین به دنبال ما آمد و به سمت منطقه صبرا در بیروت غربی رفتیم. محل دفاتر فلسطینی‌ها بود. نزدیک یک ساختمان که شدم در پارکینگ باز شد و از شبی پایین رفتیم. با آسانسور چندطبقه‌ای بالا رفتیم. در یکی از اتاق‌ها ابوزعیم پشت میز خود نشسته بود. گفت آقای محمد منتظری چنین کاری کرده و ما این افراد را جمع کرده‌ایم و شما هوابمایی ترتیب دهید تا به ایران برگردند. من محمد منتظری را در لبنان‌ستان سال ۱۳۵۱ در نجف‌آباد منزل آیت‌الله منتظری دیده بودم. آن زمان پدرم بر سر نماز جمعه با مرحوم منتظری بحث فقهی داشتند.

**کآ شهید چمران چه اقداماتی برای جست‌وجوی آقاموسی صدر انجام داد؟ آیا قرار بود چمران هم با او به لیبی برود؟**

بحثی درباره سفر چمران به لیبی نشد. به سبب بدرفتاری‌های قذافی با آقاموسی صدر، دکتر چمران دل خوشی از او نداشت. قذافی مدافع جناح چپ لبنان بود و در لبنان مجله «الکفاح العربی» و روزنامه «حرکة المحرومین» فلسطینی‌ها و یهودی‌های سخنگوی قذافی نیز با سازمان امل مخالف بودند.

## سیاست

ب بررسی فرازوفرودهای دوران مبارزاتی شهید چمران در گفت‌وگو با علی اصغر غروی

سال هجدهم • شماره ۴۰۳۳ • روزانه

روزنه

سخنگوی دولت:

## امیدواریم دولت بعد بی‌مه‌ری‌ها به دولت روحانی را تجربه نکند

● **شرق:** سخنگوی دولت در اولین نشست خبری خود بعد از پیروزی ابراهیم رئیسی در انتخابات، گفت: «آرزو می‌کنم که دولت سیزدهم بتواند به همه اهداف تعیین‌شده در راستای تأمین منافع ملی، احیای معنویت و اخلاق و ایجاد شرایطی برای رشد و توسعه کشور و زندگی بهتر برای مردم دست پیدا کند». علی ربیعی در این نشست که به صورت مجازی برگزار می‌شد، با بیان اینکه یک اصل شناخته‌شده و مورد احترام در جوامع مردم‌سالار اجماع نخبگان درباره باری‌رساندن به دولت منتخب برای عبور از شرایط سخت است، افزود: «عبور از این شرایط سخت و غلبه بر مشکلات ساختاری اقتصادی و اجتماعی در کشور و مقابله با مشکلات توأمان تحریم و کرونا نیازمند کمک و در کنار هم قرارگرفتن همه قوا و همه نهادها است. این یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است و قرارگرفتن همه جناح‌های سیاسی و نهادهای مسئول و حتی نهادهای رسانه‌ای برای مقابله با موانع لازمۀ موفقیت دولت در پشت سر گذاشتن مشکلات متعدد ناشی از تحریم‌های ظالمانه و فشار اقتصادی– اجتماعی کرونا است». او همچنین درباره دیدار حسن روحانی با ابراهیم رئیسی گفت: «رئیس‌جمهور بلافاصله بعد از اتمام جلسه ستاد کرونا به دفتر آقای رئیسی در قوه قضائیه رفتند و ضمن اعلام آمادگی دولت مستقر برای ارائه اطلاعات مورد نیاز دولت آتی در دوران انتقالی، گزارشی از مهم‌ترین مشکلات فعلی کشور مثل موضوع تأمین کالا را مطرح کردند. همچنین درباره چگونگی ادامه کار و برنامه گروه مذاکره‌کننده برجام، صحبت‌هایی انجام شد. روز یکشنبه هم در جلسه هیئت دولت، شیوه تعامل دولت بعدی مورد بحث قرار گرفت و مقرر شد تعامل با دولت سیزدهم برای انتقال و ارائه اطلاعات مدنظر آقای رئیس‌جمهور منتخب، در سطح وزرا باشد و آسان اطلاعات مدنظر را در اختیار آقای رئیسی قرار بدهند». ربیعی درباره برنامه دولت برای ۴۰ روز پایانی کنترل قیمت‌ها، عنوان کرد: «بدون آنکه بخواهم برخی نارسایی‌هایی را که در همه نهادها و قوا و نیز دولت وجود داشته، نادیده بگیرم، اما علت اصلی مسائل موجود قطعاً تحریم‌های ظالمانه‌ای بوده که نمی‌دانم چرا هیچ‌گاه یک جریان عظیم رسانه‌ای که توان رسالت خود را انتقاد از دولت قرار داده بود، آن را ندیده». او افزود: «کاهش این عده‌های بی‌کار هم که شده، به سانسور علت‌های اصلی نمی‌پردازند. برای مقاصد سیاسی و تخریب دولت با وجود اینکه در ظاهر علیه آمریکا موضع می‌گرفند، از یک طرف دولت را متمم به نگاه به خارج می‌کردند و از طرفی بر جنایت آمریکا سربوش می‌گذاشتند. به هر حال این روزها گذشت و در تاریخ کساست ما این دوگانه‌ها به تعارض‌ها می‌ماند». سخنگوی دولت افزود: «تا تحریم هست، تا کمبود ارز هست، تا ارز به قیمت واقعی خود بازنگردد، تا انتقال پول توانود به وضعیت سابق خود بازگردد، این حکایت برقرار خواهد بود.

آرزو می‌کنم بعد از این هر شبکه خبری را که می‌بینیم، در آن از علت‌های اصلی به‌هم‌آوردن این وضعیت برای مردم گفته شود. امیدواریم که دولت بعدی بی‌مه‌رئ‌ای را که این دولت دید، تجربه نکند». او درباره عملکرد دستگاه قضا و کیفیت همکاری آن با دولت در سال‌های اخیر، گفت: «درخصوص عملکرد دستگاه قضا از زمانی که جناب آقای رئیسی ریاست قوه قضائیه را برعهده گرفتند، آغازگر اصلاحات نهادی شدند. مهم‌ترین آن، اصلاح از درون بوده و نیز همکاری با دولت درخصوص لویاجی مثل لایحه صیانت از حقوق زنان، همواره تعامل و همکاری خوبی بین دو قوه وجود داشته است و دولت نیز از این موارد استقبال کرده است. ما امیدواریم که اصلاحات آغازشده در قوه قضائیه تحت ریاست بعدی این قوه هم با همین قوت و جدیت دچار گسست نشود و ادامه پیدا کند».

● **پس از انقلاب با او هنوز در ارتباط بودید؟ نقش او در کردستان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**
مفاهیم، مختلف است؛ اما اینکه در معنای اصیل عرفان به دکتر چمران بگویم عارف، درست‌تر است تا عارف‌مسکک! یعنی کسی که توجهش به خدا و آخرت زیاد بود و در هر مسئله‌ای اول خدا و آخرت را می‌دید و بعد اقدام می‌کرد.

● **کآ پس از انقلاب با او هنوز در ارتباط بودید؟ نقش او در کردستان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**
مفاهیم، مختلف است؛ اما نه در مسائل نظامی. ایشان در ستاد جنگ‌های نامنظم، نیروهایی را می‌پذیرفت که معرف داشته باشند و نیروهای اصفهان را من معرفی می‌کردم.

● **کآ چسب‌اسی از اصفهان به آنجا رفتند؟**
خاطرم نیست. گویا استاد ستاد جنگ‌های نامنظم و حتی اوتومبیل جیبی دکتر چمران هم از بین رفته است. من شاید بیش از ۲۰ نفر را معرفی کرده‌ام.

● **کآ آخرین دیدار؟**
شخصی از جوانان بسیار مؤمن لبنان به نام علی عباس که جوان خیلی برجسته‌ای بود، در جنگ‌های نامنظم شهید شد. در مسجدی در تهران مراسم فاتحه او بود. دکتر چمران هم از اهواز آمده بود. آنجا برای آخرین‌بار همدیگر را دیدیم. ازجمله بحث‌های سیاسی روز، بنی صدر بود. من گفتم: موضع شما چیست؟ گفتند: به اهواز برمی‌گردم. گفتیم: شنیده‌ها حاکی از آن است که آیت‌الله خمینی عنایت دارند شما به جای بنی صدر رئیس‌جمهور شوید. دکتر چمران گفتند: خیر! من خسته شده‌ام و از نظر روحی نمی‌توانم تحمل کنم! او گفت: مطمئنم که این آخرین سفر من خواهد بود! خداحافظی کردیم و باز هم من گفتم شما به اهواز برگردید.

● **کآ احتمال ریاست‌جمهوری چمران تحلیل شماست یا اطلاعاتی به دست آورده بودید؟**
شنیده‌هایی در این زمینه وجود داشت. در بیت آیت‌الله خمینی و در مجلس هم بین نمایندگان مطرح شده بود؛ به‌ویژه دفاعی که دکتر چمران در مجلس از صیادشیرازی کرده بود که چرا با ارتش درگیر می‌شوند، نظرها را بیشتر متوجه او کرده بود.

● **کآ شهید چمران نسبت به انقلاب ایران چه موضعی داشت؟ تحولات پس از انقلاب را چگونه تحلیل می‌کرد؟**

من دیگر خیلی با ایشان در ارتباط نبودم که لازم است مسائل روز صحبت کنیم و نمی‌توانم بگویم نظر ایشان چه بود. شخصیت چمران را باید بر پایه شناخت تحلیل کنیم. اگر امروز زنده بود، در چه سمتی قرار می‌گرفت؟ مثلاً نگاهی که چمران به ارتش داشت و …

● **کآ این روایت صحیح است که چمران از شیخ محمود حلبی به‌عنوان یک چهره تأثیرگذار در زندگی یاد می‌کرد؟**

تا جایی که من اطلاع دارم، ارتباطی بین چمران و انجمن حجتیه نبود. اصلاً در چارچوب فکری چمران رابطه‌ای با حجتیه شکل نمی‌گرفت.

● **کآ ارتباط جواد مادرشاهی با چمران در ستاد جنگ‌های نامنظم صحت دارد؟**
من آقای مادرشاهی را نمی‌شناسم. ممکن است همکار بوده باشند، ارتباطات کاری ربطی به اعتقادات ندارد. مثلاً یک بار آقای حلبی به منزل ما آمد و نزدیک به دو ساعت با مرحوم پدر بحث کردند، بعد از این دیدار مرحوم حلبی به چند نفر از طرفداران خود در اصفهان گفته بود غروی حکیم است و آب حکیم و فقیه در یک جوی نمی‌رود! با ایشان کاری نداشته باشید.